

اسنادی از دکتر علی اکبر سیاسی

فاطمه قاضیها

■ چکیده

در این مقاله ضمن اشاره‌ای مختصر به زندگی و زمانه استاد علی اکبر سیاسی، اسنادی در خصوص این استاد معرفی و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نگارنده مقاله که افتخار شاگردی استاد را داشته، اکنون به این نتیجه رسیده است که در پس آن چهره با وقار و بخشنده حاضر در کلاس درس، طی سال‌های قبل از آن چه بر استاد گذشته، چه راه‌های مسدودی را گشوده، چه مبارزات و کشمکش‌هایی را در رابطه با دولتمردان طراز اول، از سر گذرانده تا به اهداف والای خود که همانا فراهم آوردن محیط علمی و فرهنگی برای تربیت و پرورش پزشک و معلم و حقوقدان و غیره برای کشور باشد، نایل آید و در راه نیل به این هدف از هیچ‌گونه تلاش و ایستادگی در برابر موانع دریغ نورزیده است. از جمله مواردی که مقاله به آن اشاره شده است نقش دکتر سیاسی در بنیاد نهادن اصول روان‌شناسی جدید در ایران، تبدیل دانشگاه تهران به مؤسسه‌ای مستقل و دور از اعمال نفوذ مقامات و تهیه لایحه قانون تربیت معلم و افتخاراتی است که وی برای کشور کسب کرد.

کلیدواژه‌ها

علی اکبر سیاسی؛ دانشگاه تهران؛ تعلیم و تربیت جدید؛ اصول روانشناسی؛ قانون تربیت معلم.

اسنادی از دکتر علی‌اکبر سیاسی

فاطمه قاضیها^{۱*}

مقدمه

نگارنده افتخار این را داشته است که در سال ۱۳۵۴ شاگرد استاد علی‌اکبر سیاسی بوده و از محضرشان کسب فیض نموده‌ام، دقیقاً به یاد دارم که چهار واحد روان‌شناسی شخصیت در دو ترم پیاپی توفیق اینجانب از شاگردی ایشان بود. آنچه که از آن بزرگوار در پس این همه سال، فراموش نشده، سعه صدر فوق‌العاده ایشان نسبت به دانشجویان بود و این مهم در طرز سلوک و نحوه تدریس و موردسؤال قراردادن دانشجویان کاملاً آشکار بود، اینک که جهت تهیه این مقاله به بررسی و تفحص در زندگی‌نامه استاد پرداختم، دریافتم که در پس آن چهره با وقار و بخشنده حاضر در کلاس درس، طی سال‌های قبل از آن چه بر استاد گذشته، چه راه‌های مسدودی را گشوده، چه مبارزات و کشمکش‌هایی را در رابطه با دولتمردان طراز اول، از سر گذرانده تا به اهداف والای خود که همانا فراهم‌آوردن محیط علمی و فرهنگی برای تربیت و پرورش پزشک و معلم و حقوقدان و غیره برای کشور باشد، نایل آید و در راه نیل به این هدف از هیچ‌گونه تلاش و ایستادگی در برابر موانع دریغ نورزید.

تولد استاد در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و در شهر تهران روی داد (سال ۱۲۷۴ هـ. ش. برابر با ۱۳۱۲ هـ. ق. و یک سال قبل از ترور ناصرالدین شاه). تحصیلات خود را در مدارس خرد و سلطانی آغاز کرد. بعد از طی تحصیلات مقدماتی در زمان سلطنت مظفرالدین شاه، وارد مدرسه عالی علوم سیاسی شد و در ۱۲۹۰ هـ. ش. برابر با ۱۳۲۹ هـ. ق. در هفده سالگی و در زمان سلطنت احمدشاه به اتفاق نوزده نفر دیگر برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام و در پاریس در

۱. پژوهشگر تاریخ ایران.



رشته علوم تربیتی و روان‌شناسی به‌تحصیل پرداخت. ولی تحصیلاتش به دکتری نرسیده بود که شعله جنگ اول جهانی مشتعل و دولت محصلان اعزامی را به‌ایران فراخواند، بنابراین در ۱۲۹۶ ه.ش. برابر با ۱۳۳۵ ه.ق. و در اوج جنگ به‌ایران بازگشت و سمت استادی مدرسه دارالفنون را دارا شد که در این سمت تا زمانی که مجدداً به اروپا اعزام شد باقی بود. قریب دو سال نیز سمت مشاور حقوقی و مستشار و مترجم سفارت فرانسه در تهران را عهده‌دار بود. ولی هنگامی که دولت ایران به فرمان رضاشاه با دولت فرانسه قطع رابطه کرد، از آن کار استعفا کرد. در سال ۱۳۰۰ ه.ش. با افرادی نظیر اسمعیل مرآت و مشرف نفیسی و جمعی دیگر «انجمن ایران جوان» را تأسیس کرد و در مجمع به‌اتفاق آرا به ریاست انجمن انتخاب شد. لذا با فعالیت‌هایی که انجمن انجام داد توانست برای خود درآمدی کسب کند و پس از چندی روزنامه «ایران جوان» را منتشر سازد.

وی در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ه.ش. یعنی در زمان سلطنت رضاشاه مجدداً برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ دانشنامه دکترا در رشته روان‌شناسی از دانشگاه سوربن شد. دکتر سیاسی پس از بازگشت به ایران، در ۱۳۱۰ ه.ش. به‌سمت ریاست تعلیمات عالی وزارت فرهنگ منصوب شد و در دارالمعلمین عالی نیز به تدریس روان‌شناسی و فلسفه پرداخت. با تأسیس دانشگاه تهران در ۱۳۱۳ ه.ش.، به‌عنوان استاد روان‌شناسی در دانشکده ادبیات مشغول تدریس شد. در ۱۳۲۱ ه.ش. یعنی در دومین سال سلطنت محمدرضا پهلوی به‌ریاست دانشکده ادبیات رسید و در مرداد همان سال در کابینه احمد قوام به‌سمت وزارت فرهنگ منصوب شد. در همین سمت، دانشگاه تهران را که زیر نظر وزارت فرهنگ اداره می‌شد، به‌صورت نهادی مستقل از این وزارتخانه درآورد و در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۱ ه.ش. استقلال دانشگاه را از آن وزارتخانه اعلام کرد. استاد خود در خاطراتش در این رابطه چنین نقل می‌کند:

«کوشش‌های پیگیر و پایداری من سرانجام دانشگاه را مؤسسه‌ای کرده بود کاملاً مستقل و دور از هرگونه اعمال نفوذ مقامات مختلف، دولت‌ها، نمایندگان مجلس و حتی شاه از این واقعیت رضایت نداشتند، به‌هیچ تقاضا، توصیه، خواهش و تمنا و حتی هیچ امری که مخالف با مقررات دانشگاه بود، ترتیب‌اثر نمی‌دادم، پشتیبان من عموم دانشگاهیان، استادان، دانشجویان و کارمندان بودند، پس آن دستگاه بزرگ علمی هم مورد احترام بود و هم برای مقاماتی موجب نگرانی و هراس! پس برای اینکه این حصار حصین، یا به‌گفته بعضی از وکلا پشت تربیون مجلس (این دولت در دولت)، شکستی بردارد لازم بود رئیس آن برکنار شود...»

باید توجه داشت که موضوع استقلال دانشگاه تهران جدا از تأسیس آن است زیرا تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ و به‌همت والای یحیی‌خان اعتمادالدوله و تلاش کم‌نظیر علی‌اصغر حکمت به بار نشست، البته ناگفته نماند که زحمات دکتر سیاسی که در آن زمان رئیس تعلیمات



عالیه بود و همچنین دکتر محمود حسابی و دکتر عیسی صدیق و چند نفر دیگر در تأسیس دانشگاه مثرثمر بود. چنانچه پیش‌نویس قانون تأسیس دانشگاه تهران را دکتر علی‌اکبر سیاسی همراه با محمدعلی فروغی، غلامحسین رهنما و عیسی صدیق در کمیسیون ویژه اداره تعلیمات عالییه وزارت فرهنگ تهیه و تنظیم کردند. این قانون در ۱۵ بهمن ۱۳۱۳ در زمانی که علی‌اصغر حکمت وزیر فرهنگ بود در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و بر اساس آن دانشگاه تهران از ۶ دانشکده «پزشکی»، «حقوق»، «فنی»، «معقول و منقول»، «ادبیات»، و «علوم انسانی» تشکیل شد.

به هر روی، آن‌طور که خود دکتر سیاسی نقل می‌کند با ابراز تمایل شاه بسیاری از مقامات سعی داشتند که دانشگاه تهران بدون دکتر سیاسی و نظرات سازنده‌اش مدیریت شود. پس از ماجرای سوءقصد به شاه در دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷ ه.ش، دکتر سیاسی در مقابل درخواست شاه مبنی بر اخراج برخی از اساتید از دانشگاه ایستادگی کرد پس فشار عوامل شاه در داخل و خارج دانشگاه علیه دکتر سیاسی شدت گرفت، به طوری که خود استاد در خاطراتش نقل می‌کند، حتی در زمان حکومت ملی هم، دکتر مصدق برای اینکه دانشگاه را مطابق سیاست خود پیش ببرد و به آن جنبه سیاسی بدهد عزم بر حذف دکتر سیاسی از ریاست دانشگاه با هدف جایگزینی یکی از اعیان خود، نظیر دکتر معظمی، دکتر سیدعلی شایگان و یا دکتر سنجابی را داشته است، در این راستا از طریق سفیر هند در ایران از دکتر سیاسی دعوت می‌شود که منصب سفیرکبیری ایران در هند را پذیرفته و به دهلی برود، ولی دکتر سیاسی با اعلام عدم موافقت خود، تعهد و وظایفش در قبال دانشگاه را دلیل رد این پیشنهاد عنوان می‌کند.

علی‌رغم این اقدامات در زمان دکتر مصدق شورای دانشگاه مرکب از ۲۲ نفر تشکیل و دکتر سیاسی با ۱۹ رأی در مقابل رقیبش که سه رأی داشته برای چهارمین دوره به ریاست دانشگاه انتخاب می‌شود. دکتر سیاسی، در واقعه حمله خون‌بار نظامیان شاه در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ به دانشکده فنی و بیرون کشیدن سه تن از دانشجویان از سر کلاس درس و به شهادت رساندن آنان در سرسرای دانشکده، در کنار استادان و دانشجویان ایستاد و آن عملیات وحشیانه و هتک حرمت دانشگاه را محکوم کرد. اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت شاه به ایران محمدرضا شاه توسط دولت کودتا از او می‌خواهد که عده‌ای از استادان از قبیل دکتر معظمی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، دکتر سنجابی دکتر محمد قریب و ... را اخراج کند. دکتر سیاسی ترمد می‌کند و شاه از طریق وضع قانونی جدید که بر اساس آن «هیچ رئیس دانشگاهی نمی‌تواند بیش از دو دوره متوالی به این سمت برگزیده شود» دکتر سیاسی را که چهار دوره در این سمت بود، برکنار و به جای او دکتر اقبال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار می‌شود (سال ۱۳۳۳). ولی ریاست وی بر دانشکده ادبیات همچنان باقی می‌ماند. چنان که خود در خاطراتش



می‌نویسد: «برکناری من از ریاست دانشگاه مانع نبود از اینکه ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی را که از سال ۱۳۲۱ عهده‌دار بودم، تا زمانی که بخواهم و شورای استادان به من رأی بدهند ادامه دهم».

در رابطه با عزل وی از ریاست دانشگاه سندی در دست است، تحت‌عنوان «بیانیه گروه فرهنگیان و دانشجویان» که پس از اینکه در بالای بیانیه عبارت «دکتر سیاسی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های فرهنگی ایران و جزو گرانبهاترین مفاخر ماست» درج شده، در متن اعلامیه به خدمات وی پرداخته و اعتراض جامعه فرهنگی را اعلام می‌دارد. اسناد، مؤید این نکته‌اند که شورای دانشگاه در دوره‌های بعد نیز دکتر سیاسی را نامزد ریاست کرده و رأی کمی هم نیاورده ولی احتمالاً با تبنای‌هایی، دیگری انتخاب شده است.

دکتر سیاسی سه‌بار به‌ترتیب در سال ۱۳۲۱ در کابینه احمد قوام، در سال ۱۳۲۲ در کابینه علی سهیلی و در سال ۱۳۲۶-۱۳۲۷ ه.ش. در کابینه ابراهیم حکیمی، به‌وزارت فرهنگ منصوب شد، در سال ۱۳۲۸ نیز در کابینه ساعد، وزیر امور خارجه شد. همچنین وی مجموعاً مدت دوازده سال ریاست دانشگاه تهران را عهده‌دار بود (۱۳۲۱-۱۳۳۳).

دکتر سیاسی یک‌سال بعد از به‌دست‌آوردن استقلال دانشگاه در سال ۱۳۲۲ قانون تعلیمات عمومی اجباری و مجانی را از مجلس سیزدهم گذراند. مطلب اصلی این قانون شانزده ماده‌ای عبارت از این بود که «تعلیمات عمومی اجباری و مجانی بوده و مهم‌ترین مسائل درسی آموزشی از لحاظ جا و مکان، روش تدریس، حقوق معلمین و ... در متن این قانون است. دکتر سیاسی در مصاحبه‌ای که پنج‌سال بعد از تصویب این قانون انجام داده قید کرده است که تعمیم تعلیمات ابتدایی اساسی‌ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت بگیرد و تا این اقدام اساسی به‌عمل نیامده، ترقی واقعی در هیچ‌یک از شئون کشور مبنای صحیحی نخواهد داشت و مخصوصاً حکومت دموکراسی در این کشور از حدود لفظ خارج نشده و معنا و مفهوم پیدا نخواهد کرد.

از دیگر فعالیت‌های علمی فرهنگی دکتر سیاسی عضویت در انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو بود که پس از انقضای ریاست سیدحسن تقی‌زاده، عهده‌داری ریاست این انجمن به دکتر سیاسی واگذار شد. بعضی از اعضای فعال این انجمن افراد صاحب‌نامی بودند از قبیل: دکتر عیسی صدیق، دکتر یحیی مهدوی، دکتر غلامحسین صدیقی، استاد سیدعبدالله انوار، دکتر سیدجعفر شهیدی، دکتر امیرحسین آریان‌پور، دکتر احسان نراقی و ... از دیگر اقدامات مهم دکتر سیاسی، تهیه لایحه قانون تربیت معلم است. خود در خاطراتش نقل می‌کند که در زمانی که علی‌اصغر حکمت وزیر معارف و دکتر سیاسی رئیس تعلیمات عالی بود، در ابتدا این سمت را به امید برآورده‌شدن بعضی از آرزوهایی که درباره فرهنگ کشور



داشته پذیرفت. پس در مدتی کوتاه لایحه قانونی تربیت معلم را تهیه و با حمایت وزیر معارف به تصویب مجلس سیزدهم می‌رساند، سپس چنین شرح می‌دهد: «این قانون بدون سروصدا انقلابی عظیم در فرهنگ ایران ایجاد کرد، معلم شدن شرایطی پیدا کرد و تکلیف حقوق و مزایا و ارتقای معلمین را قانون معین می‌کرد، ضمناً اصطلاحات تازه فارسی قانوناً رسمیت یافتند، از آن جمله هستند دبستان به جای مدرسه ابتدائی...».

علی‌رغم فعالیت‌های اجرایی و فرهنگی ارزشمندی که در پیشین مذکور شد، دکتر سیاسی کار اصلی و اساسی خود را در زندگی تعلیم و تحقیق و نوشتن و خواندن می‌داند و متذکر می‌شود که مشاغل سیاسی و اداری و فعالیت‌های اجتماعی هرگز از کار اصلی وی نکاسته است. سپس توضیح می‌دهد که چگونه در سال ۱۳۰۴ که علامه دهخدا رئیس مدرسه علوم سیاسی بوده میرزا علی‌اکبر سیاسی که هنوز دکتر نشده بود برای او راجع به اینکه در مراکز علمی غرب علم‌النفس از فلسفه جدا شده و به‌عنوان یک درس مستقل تدریس می‌شود و مسائلی مانند آن، به شرح نکات لازم در این رابطه می‌پردازد، چنانچه دهخدا کنجکاو شده و پس از دریافت مطالب لازم، به او پیشنهاد می‌کند که به تدریس این درس در مدرسه علوم سیاسی بپردازد. پس از قبول، در جلسه‌ای برای علم‌النفس جدید نام جدید «روان‌شناسی» برگزیده و تدریس آن آغاز می‌شود؛ بر این منوال اولین کتاب روان‌شناسی با عنوان «علم‌النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت» در سال ۱۳۱۷ انتشار می‌یابد.

و چنین شد که دکتر سیاسی اصول روان‌شناسی جدید را در ایران بنیاد نهاد و «بنیانگذار و پدر روان‌شناسی جدید در ایران» نامیده شد. آثار متعددی از وی باقی مانده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «علم‌النفس یا روان‌شناسی از نظر تربیت»، «اصول روان‌شناسی»، «علم‌النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید»، «علم اخلاق»، «مبانی فلسفه»، «منطق و فلسفه»، «هوش و خرد»، «روان‌شناسی شخصیت» یا «مکاتب روان‌شناسی»، «روان‌شناسی جنایی»، «روان‌شناسی پرورشی» و «ایران در تماس با مغرب زمین» به زبان فرانسوی و نگارش مقالات متعدد برای جراید و نشریات اشاره کرد.

او در اواخر عمر در خارج از ایران می‌زیست و کتابی به زبان فارسی درباره شرح حال و زندگی خود تحت عنوان «گزارش یک زندگی» نوشت که جلد اول آن در ۱۳۸۸ ه.ش. منتشر شد. دکتر سیاسی در زمان ناصرالدین شاه پا به عرصه وجود نهاد و پس از گذران عمر پُر بار خویش در دوران سلطنت شش پادشاه از دو دودمان قاجار و پهلوی به مدت ۱۲ سال نیز جمهوری اسلامی را تجربه کرد. در اواخر سال ۱۳۶۸ ه.ش. به ایران بازگشت و در سال ۱۳۶۹ در موطن خود، تهران درگذشت و به حضرت دوست پیوست. روحش شاد.



چون جهت معرفی اسناد مربوط به دکترسیاسی اشاره به افتخاراتی که وی برای کشور کسب کرد، اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، مطالب مذکور در فوق به صورت بسیار اجمالی تهیه و در آن فقط به اهم فعالیت‌های دکتر سیاسی آن هم به طور خلاصه پرداخته شد. لذا در زیر متن بازنویسی شده اسناد به ترتیب تاریخ سند و شماره‌ای که در این مقاله به آنها داده شده درج و نهایتاً تصویر برخی اسناد از نظر مطالعه کنندگان گرامی می‌گذرد.

اسناد

سند شماره ۱

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

سواد ابلاغ نمره ۱۷۰۰۴ مورخه ۲۸/۷/۷ واو

[موضوع سند]: برنامه کلاس و تدریس و حقوق دکتر سیاسی در دارالفنون در سال ۱۳۰۷
[متن سند]:

آقای میرزا علی اکبرخان سیاسی:

در تکمیل ابلاغ نمره ۱۰۳۳۲ مورخ ۱/۶/۷ اشعار میدارد دو ساعت فلسفه کلاس ۶ و شش ساعت فلسفه کلاس چهارم و یک ساعت ترجمه کلاس پنجم سیکل ادبی به عهده جناب عالی تفویض و در ازای نه ساعت دروس مذکور ماهی نود تومان حقوق از اعتبار مدرسه دارالفنون دریافت خواهید داشت.

[دستور در حاشیه]: آقای رهنما ۲۹/۷/۷

سواد ابلاغ فوق برای اطلاع خاطر ریاست محترم محاسبات ارسال می‌شود.

سند شماره ۲

[موضوع سند]: نامه‌ای است از طرف دانشگاه تهران به وزارت معارف در مورد بودجه سال آینده دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و درخواست تسهیلاتی در رابطه با دانشجویان این دانشکده و ارجاع این درخواست از طرف وزیر معارف به دکتر سیاسی که در آن زمان رییس تعلیمات عالی وزارت معارف بوده است.

وزارت معارف - دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات - دانشکده علوم - دانشسرای عالی، به تاریخ ۹ بهمن ۱۳۱۴

[متن سند]:

مقام وزارت معارف

چون دستور داده شده بود، که بودجه سال تحصیلی آینده دانشسرای عالی و دانشکده‌های



علوم و ادبیات را تهیه نماید، اینک به‌ضمیمه این نامه در سه ورقه تقدیم و نکات ذیل خاطر نشان می‌شود:

۱- به‌طوری که مکرر عرض کرده، محصلین باهوش و استعداد که جزئی بضاعت برای تهیه لباس و خوراک خود داشته باشند به دانشکده‌های طب و حقوق و فنی می‌روند و کمتر رغبتی به معلمی دارند. کسانی که به دانشسرای عالی می‌آیند یا بی‌استعداد و یا باهوش متوسط هستند و یا با استعداد و بی‌بضاعت. امتحانات چند ساله‌ای که در زمان تصدی بنده از کلیه محصلین شده، این مسئله را به ثبوت رسانده و موجب شده است که هر سال در بودجه پیشنهادی مبلغ کمک خرج تحصیل را اضافه نماید، و متأسفانه چون به این امر توجه نشده، قسمت عمده زحماتی که کشیده می‌شود به‌هدر می‌رود، و مالیه دولت صرف تربیت عده‌ای می‌شود که بآمال خدمات مهم نخواهند کرد و از روی اضطرار در امتحانات پذیرفته می‌شوند. به عقیده بنده مهم‌ترین قدمی که برای اصلاح دانشسرای عالی می‌توان برداشت این است که یا داوطلبان دبیری را شبانه‌روزی کرد، یا لااقل به شصت نفر ماهی پانزده تومان کمک خرج داد.

۲- چون این مؤسسه دائماً در حال نشو و نماست، احتیاجات آن، به عضو جدید و معلم و کتاب و آزمایشگاه روز به روز در تزايد است، مبالغی که در این بودجه پیش‌بینی شده حداقل است از آنچه رؤسای مربوط تقاضا کرده‌اند.

۳- چون تمرین محصلین در دبستان و دبیرستان علمیه شروع شده و باید امور آن در تحت‌انتظام در آید و مدارس مرکز نیز باید اصلاح شود، جزئی اعتبار برای این کار منظور شده است. چنانچه در نزدیکی عمارت دانشسرای مقدماتی بتوان یک باب دبستان ساخت و در صورت امکان دبیرستان علمیه را نیز به عمارت دانشسرای مقدماتی انتقال داد، سه مؤسسه (دبستان - دبیرستان - دانشسرای مقدماتی) برای تمرین در یک نقطه جمع شده و تسهیلات زیاد برای انجام وظائف فراهم خواهد شد.

۴- بالاخره نکته‌ای که همواره خاطر نشان کرده و اکنون نیز یادآور می‌شود مسئله امور مالی و تهیه ملزومات و احتیاجات دانشسرای عالی است. با ترتیبی که فعلاً داده شده، صریحاً، عرض می‌کند که موفقیت و پیشرفت غیرممکن است و اوقات گرانبهای عده زیادی باید صرف کارهای بسیار بسیار کوچک شود و عمر استاد و محصل تلف گردد و نتیجه مطلوب از تمام زحماتی که کشیده می‌شود گرفته نشود. این است که پیشنهاد می‌کند فکر اساسی در این قسمت بفرمایند و در صورت امکان وسایل استقلال مالی را فراهم نمایند تا بتوان به آتیه امیدوار بود و برای نیل به کمال مطلوب کوشش کرد. امضا:

[دستور وزارت معارف در حاشیه سند]: فوری است اداره تعلیمات عالیہ ۱۱/۱۱



سند شماره ۳

وزارت فرهنگ

فهرست اسامی آقایان مدیران کل و رؤسای ادارات پایتخت و استادان و دانشیاران دانشگاه.

[همکاران و جامعه انسانی اطراف دکتر سیاسی در سال ۱۳۱۷ ه.ش]

۱. جناب آقای دکتر ولی‌الله نصر - مدیرکل وزارت فرهنگ و رئیس دانشکده ادبیات و علوم دانشسرای عالی.
۲. جناب آقای محمد وحید - مدیرکل وزارت فرهنگ.
۳. جناب آقای اشرف اشرف - مدیرکل وزارت فرهنگ.
۴. جناب آقای هادی حائری - مدیرکل وزارت فرهنگ.
۵. جناب آقای محمد برزین - مدیرکل اداره بیمارستان‌ها.
۶. جناب آقای احمد سعیدی - بازرس عالی وزارت.
۷. آقای رضا فهیمی - بازرس عالی وزارت.
۸. آقای محمد ملکزاده - بازرس عالی وزارت.
۹. جناب آقای دکتر امیر اعلم - استاد و رئیس تالار کالبد شکافی.
۱۰. جناب آقای غلامحسین رهنما - استاد و رئیس دانشکده فنی.
۱۱. جناب آقای ابوالحسن فروغی - استاد دانشکده ادبیات.
۱۲. جناب آقای محمد تدین - استاد دانشسرای عالی.
۱۳. جناب آقای مسعود کیهان - استاد دانشسرای عالی.
۱۴. آقای عبدالعظیم قریب - استاد دانشسرای عالی.
۱۵. آقای علی‌اکبر دهخدا - رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی.
۱۶. آقای پرفسور ابرلین - استاد و رئیس دانشکده پزشکی.
۱۷. آقای پرفسور برتران - استاد ادبیات زبان فرانسه دانشسرای عالی.
۱۸. آقای دکتر لئو کوخ - استاد دانشکده فنی.
۱۹. آقای آندره گدار - مدیرکل اداره باستان شناسی.
۲۰. آقای سعید نفیسی - استاد دانشسرای عالی.
۲۱. آقای دکتر علی فرهمندی - رئیس اداره کل نگارش.
۲۲. آقای حسن فروغی - رئیس اداره اوقاف.
۲۳. آقای اسکندر پاسدار - رئیس اداره حسابداری.
۲۴. آقای حسین فرهودی - رئیس دفتر وزارت.
۲۵. آقای حبیب‌الله مظفری - رئیس دبیرخانه شورای عالی فرهنگ.



۲۶. آقای محمد یزدانفر - رئیس اداره بازرسی.
۲۷. آقای مهدی ایرانی - رئیس اداره آموزش شهرستان‌ها.
۲۸. آقای دکتر شمس‌الدین جزایری - رئیس اداره آموزش پایتخت.
۲۹. آقای دکتر امان‌الله روشن زائر - رئیس اداره امتحانات و برنامه‌ها.
۳۰. آقای سرگرد غلامحسین مین باشیان - رئیس اداره موسیقی کشور.
۳۱. آقای ابوالقاسم شکرایی - کفیل اداره تربیت بدنی و پیشاهنگی.
۳۲. آقای رضا مزینی - رئیس اداره کارگزینی.
۳۳. آقای دکتر غلامعلی رعدی آذرخشی - رئیس اداره آموزش عالی.
۳۴. آقای حبیب‌الله صحیحی - رئیس اداره دانشسراها.
۳۵. آقای فتحعلی خواجه نوریان - مدیر آمار اداره کل نگارش.
۳۶. آقای تاج‌الدین امامزاده - بازرس عالی وزارت.
۳۷. آقای تقی طائر - بازرس عالی وزارت.
۳۸. آقای عبدالله رهنما - بازرس وزارت.
۳۹. آقای دکتر عبدالمجید آهی - استاد دانشکده پزشکی.
۴۰. جناب آقای دکتر علی فلاتی - استاد دانشکده پزشکی.
۴۱. آقای دکتر حسین معتمد - استاد دانشکده پزشکی.
۴۲. آقای دکتر قاسم قاسمزاده - استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۴۳. آقای دکتر محمدقلی شمس - استاد دانشکده پزشکی.
۴۴. آقای دکتر جواد شیبانی - استاد دانشکده پزشکی و بازرس کل اداره بیمارستان‌ها.
۴۵. آقای دکتر علی‌اکبر سیاسی - استاد دانشسرای عالی.
۴۶. آقای دکتر رضا زاره شفق - استاد دانشسرای عالی.
۴۷. آقای عباس اقبال آشتیانی - استاد دانشسرای عالی.
۴۸. جناب آقای محمد مظاهر - استاد دانشکده حقوق.
۴۹. آقای علی نقی وزیری - استاد دانشکده ادبیات.
۵۰. آقای دکتر محسن سیاح - استاد دانشکده دندانسازی.
۵۱. آقای دکتر محمد حسین ادیب - استاد دانشکده پزشکی.
۵۲. آقای دکتر محمود حسابی - دانشسرای عالی.
۵۳. آقای بدیع‌الزمان فروزانفر - دانشسرای عالی.
۵۴. آقای حسین گل‌گلاب - دانشکده پزشکی.
۵۵. آقای دکتر علی شایگان - استاد و معاون دانشکده حقوق و علوم سیاسی.



۵۶. آقای دکتر عبدالله شیبانی - استاد و معاون دانشسرای عالی.
۵۷. آقای مهندس عبدالله ریاضی - معاون دانشکده فنی.
۵۸. آقای اسدالله بیژن - استاد دانشسرای عالی.
۵۹. آقای دکتر جهانشاه صالح - استاد دانشکده پزشکی.
۶۰. آقای دکتر آرامائیس وارطانی - استاد دانشکده پزشکی.
۶۱. آقای تقی فاطمی - استاد دانشسرای عالی.
۶۲. آقای ابراهیم پورداد - استاد دانشکده ادبیات.
۶۳. آقای علی پاشا صالح - ناظر امور اداره کل نگارش.
۶۴. آقای اسمعیل امیرخیزی - رئیس دبیرستان دارالفنون.
۶۵. آقای محمد میرفخرائی - رئیس دانشسرای پسران.
۶۶. آقای محمد شمس‌آوری - رئیس دبیرستان شرف.
۶۷. آقای علی اشرف ممتاز - رئیس دانشسرای دختران.
۶۸. آقای محمد رحیم ادیب - رئیس دبیرستان پهلوی.
۶۹. آقای دکتر محمود مهران -
۷۰. آقای دکتر عنایت‌الله فرزاد - پزشک شفاخانه آموزشگاه‌ها.
۷۱. آقای دکتر محمد مجلل - استاد دانشکده پزشکی.
۷۲. آقای دکتر هاشم هنجن - استاد دانشکده پزشکی.
۷۳. آقای دکتر ابراهیم نعمت‌الهی - معاون دانشکده پزشکی.
۷۴. آقای یوسف میر - رئیس بخش جراحی بیمارستان وزیری.
۷۵. آقای محمد حسابی - رئیس پرتوشناسی بیمارستان سینا.
۷۶. آقای ابوالقاسم شیخ‌الاسلامی - رئیس بیمارستان شماره ۲.
۷۷. آقای مهدی آذر - رئیس بخش پزشکی بیمارستان شماره ۲.
۷۸. آقای غلامحسین مصدق - رئیس بخش بیماری‌های زنان در بیمارستان گوهرشاد.

سند شماره ۴

[به تاریخ فروردین ۱۳۲۷]

[موضوع]: متن مصاحبه با دکتر سیاسی وزیر فرهنگ وقت در مورد قانون تعلیمات اجباری

مجانی.

[متن سند]: مصاحبه با جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی [وزیر فرهنگ]

تعمیم تعلیمات ابتدائی اساسی ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت



گیرد ...

س - عقیده جناب عالی در باره اجرای قانون تعلیمات اجباری چیست؟ آیا قانون اخیر شما برای اجرای کار کافیست یا خیر؟ در صورت کافی نبودن، برای اجرای این کار چه تصمیماتی در آتیه اتخاذ خواهید کرد؟ و چه مشکلاتی در راه اجرای این قانون به عقیده شما وجود دارد؟

ج - عقیده خود را در باره تعلیمات اجباری از بیست و پنج سال پیش به این طرف مکرر گفته و نوشته‌ام و مخصوصاً هنگام تقدیم لایحه آموزش و پرورش اجباری مجانی در سال ۱۳۲۱ به مجلس سیزدهم و در مدت هفت ماهی که برای به تصویب رساندن آن صرف کردم در این باب چه در مجلس و چه به وسیله جراید و رادیو توضیحات کافی داده‌ام خلاصه این است که:

تعمیم تعلیمات ابتدائی اساسی‌ترین اقدامات اصلاحی است که در کشور ما باید صورت بگیرد و تا این اقدام اساسی به عمل نیامده ترقی واقعی در هیچ‌یک از شئون کشور مبنای صحیحی نخواهد داشت و مخصوصاً حکومت دموکراسی در این مملکت از حدود لفظ خارج شده و حقیقت و معنی پیدا نخواهد کرد.

برای رفع مشکلاتی که در این راه هست (ساختن مدرسه و تربیت معلم به قدر کافی) پیش‌بینی‌های لازم در قانون آموزش و پرورش اجباری مصوب مرداد ۱۳۲۲ و قانون متمم آن (که فعلاً در مجلس است) شده است و هرگاه بیست درصد از بودجه کل کشور [را] به وزارت فرهنگ بدهند، در عرض کمتر از ده سال تمام، دبستان‌ها و تمام معلمین که برای عمومی و اجباری کردن تعلیمات ابتدائی لازم است، تهیه خواهد شد و در مدتی کوتاه زدودن لکه ننگ بی سوادی از دامان ملت ایران میسر خواهد گردید.

س - اگر مدارس تخصصی از قبیل آموزشگاه‌های صنعتی و فلاحتی در نقاط مختلف کشور، به خصوص در نواحی فلاحتی و صنعتی ایجاد گردد نتایج آن برای جامعه ایرانی بهتر از آموزشگاه‌های کنونی نخواهد بود؟

ج - نه تنها بهتر خواهد بود بلکه لازم و واجب است و به اعتقاد من اگر در این اقدام بیش از این تأخیر شود نتایج وخیم برای جامعه ایرانی خواهد داشت. ماده اول قانون متمم آموزش و پرورش که این‌جانب دو ماه پیش تقدیم مجلس شورای ملی کردم، با توجه به این موضوع اساسی تنظیم گردیده است، آن ماده که ضمناً تعمیم تعلیمات ابتدائی را تضمین می‌کند این است:

ماده اول: از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ده سال وزارت فرهنگ مکلف است همه ساله لااقل چهار پنجم (۴-۵) بودجه خود را برای باسواد کردن مردم کشور و اجرای قانون آموزش و پرورش اجباری مجانی مصوب ۶ مرداد ۱۳۲۲ و تأسیس آموزشگاه‌های فنی و



حرفه‌ای تخصیص دهد.

در ماده دوم همین قانون پیش‌بینی شده است که مدارس حرفه‌ای مجانی خواهد بود.

س - عقیده جنابعالی در خصوص برنامه فعلی مدارس به خصوص دبیرستان‌ها چیست؟

ج - برنامه خالی از نقص نیست و باید مورد تجدیدنظر واقع شود ولی در این باب دو نکته را نباید از نظر دور داشت، یکی اینکه تجدیدنظر باید از طرف متخصصین درجه اول و معلمین با تجربه از روی نهایت دقت صورت گیرد و پس از آن لااقل یک دوره کامل مورد آزمایش واقع شود یعنی هر سال یا دو سال یک مرتبه آن را تغییر ندهند.

دیگر اینکه در تربیت معلمین باید دقت بیشتری مبذول گردد زیرا بهترین برنامه در دست معلمین نامناسب به بدترین وجه اجرا خواهد شد و برعکس معلمین خوب می‌توانند در عمل نقایص بدترین برنامه‌ها را برطرف سازند یا جبران کنند:

س - عقیده جنابعالی در باره استقلال فرهنگ چیست؟ اگر وزارت فرهنگ نیز مانند دانشگاه مستقل شده و با روی کار آمدن هر دولتی نقشه معینی را دنبال نماید پیشرفت کار آن بهتر نخواهد بود؟

ج - قانون اساسی و مقررات قانونی دیگر اجازه نمی‌دهد که وزارت فرهنگ مانند دانشگاه مستقل شود ولی برای تأمین ثبات سازمان فرهنگ و جلوگیری از اینکه با تغییر دولت‌ها و وزیر فرهنگ اصلاحات و نقشه‌های فرهنگی و برنامه مدارس دستخوش تغییر واقع شود، راه‌های دیگری هست که اهم آنها تقویت شورای عالی فرهنگ است که باید نظارت عالی و دقیق بر تمام اقدامات فرهنگی و بر اجرای قوانین و مقررات داشته باشد، از این رو لایحه قانونی جدیدی برای شورای عالی فرهنگ تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی گردید.

سند شماره ۵

[موضوع سند]: نامه رئیس دانشگاه (دکتر سیاسی) به وزیر فرهنگ در مورد حمله منجر

به جرح عده‌ای به دانشگاه. تاریخ ۱۳۳۰/۱۹/۹، دانشگاه تهران

[متن سند]:

فوری

جناب آقای وزیر فرهنگ

ساعت ۱۰/۵ صبح امروز موقعی که کلاس‌های دانشسرای عالی دایر و استادان مشغول

تدریس بوده‌اند، ناگهان جمع کثیری به آنجا هجوم آورده و در دنبال آنها چند پاسبان و عده دیگری سنگ و چوب در دست نیز وارد می‌شوند و در نتیجه در و پنجره و اثاثیه یکی دو اطاق شکسته شده و چند تن از دانشجویان و افرادی که برای نام‌نویسی آمده بودند و همچنین



دوتن از کارمندان دفتری دانشسرا مورد ضرب و جرح واقع می‌شوند. لازم دید این پیش‌آمد قابل‌تأسف را بدین وسیله برای استحضار خاطر عالی گزارش دهد.

رئیس دانشگاه - دکتر سیاسی - امضا

[در حاشیه]: به عرض برسد، بایگانی شود ۱۳۳۰/۹/۱۶

سند شماره ۶

دانشگاه تهران، تاریخ ۲۱/۴/۳۲

[موضوع سند]: نامه دکتر سیاسی رئیس دانشگاه تهران در مورد رسیدگی به وضعیت

معلمین دانشگاه تبریز و ...

[متن سند]:

وزارت فرهنگ

در جواب نامه شماره ۱۶۶۶۵ مورخ ۱۷ تیرماه ۱۳۳۲، به استحضار خاطر محترم می‌رساند که به انتخاب شورای دانشگاه تهران آقایان دکتر محمدحسین ادیب استاد دانشکده پزشکی و دکتر بینا استاد و معاون دانشکده ادبیات برای عضویت کمیسیون مقرر در لایحه قانونی رسیدگی به وضع معلمین دانشگاه تبریز و دانشکده‌های پزشکی شهرستان‌ها معرفی می‌شوند، آقای احمد بیرشک رئیس اداره کارگزینی دانشگاه نیز مطابق لایحه مذکور عضو کمیسیون خواهد بود.

خواهشمند است دستور فرمائید تاریخ انعقاد کمیسیون را مستقیماً به اطلاع آقایان مذکور

برسانند.

رئیس دانشگاه [تهران] - دکتر سیاسی

رونوشت برای اقدام مقتضی به اداره کارگزینی ابلاغ می‌شود.

رونوشت به اداره تعلیمات عالی ارسال می‌گردد.

سند شماره ۷

[موضوع سند]: بیانیه دانشجویان و فرهنگیان در حمایت از دکتر سیاسی پس از برکناری

وی در سال ۱۳۳۲

[متن سند]:

بیانیه گروه فرهنگیان و دانشجویان

دکتر سیاسی از بزرگترین شخصیت‌های فرهنگی ایران و جزو گرانبهارترین مفاخر ماست،

ما گروه فرهنگیان و دانشجویان با انتشار این اعلامیه، نه تنها به مردم ایران، بلکه به تمام



دنیا، مراتب تنفر و انزجار شدید خود را راجع به اهانت دو سه نفر از وکلای معلوم‌الحال مجلس ایران، نسبت به رئیس محترم دانشگاه ابراز داشته، با صدائی که از قلب با ایمان و وجدان تابناک ما برمی‌خیزد فریاد می‌زنیم، آنها که مایلند با عوام فریبی و تظاهر به دین برای شخصیت‌های معمول و رنگ‌دار خود تحصیل و جاهتی کنند، باید بدانند این عوام‌فریبی‌های قرون وسطائی مانند اسلحه سرد و ناچیز است که قرن‌ها پیش مورد استفاده دول مقتدر برای تهدید مستعمرات خویش بوده است و امروز در ایران، آن هم در مرکز ثقل مملکت، بین جوامع متشکل دانشگاهی و میان دانشجویان وظیفه‌شناس و فداکار دانشکده‌ها به کار نمی‌آید!

این آقایان خیال می‌کنند مذهب مقدس اسلام هم مثل سایر امور، فقط انحصاری می‌باشد که در راه آن سنگ تظاهر و ریا بر سینه می‌زنند و در پس پرده آن کار دیگر می‌کنند. دکتر سیاسی خود تربیت شده خانواده مسلمان و مذهبی است و همواره به مبادی دینی با نظر احترام می‌نگرد، منتها تظاهر به مذهب و دین‌فروشی را در خور خود نمی‌داند، چنانچه همه می‌دانند، سازمان اسلامی دانشجویان، با اجازه و تشویق ایشان، به فعالیت‌های مذهبی و نشر حقایق دینی پرداخته است.

دکتر سیاسی دانشمند محبوبی که درحین تکلم با شاگردان خود رنگ به رنگ می‌شود، با شرافت و آبروی خود که یکی از نقاط اتکای او است و می‌توان حیا و نجابت او را یکی از پله‌های نردبان ارتقای او دانست، هیچگاه لفظاً با خائنین به فرهنگ و دانشگاه و مملکت نمی‌ستیزد و پرخاشجویی دو سه نفر اراذل و بی‌سر و پا را با لبخند تمسخر پاسخ می‌دهد. دو سه نفر و کیل از دانش بی‌خبری که رشد اجتماعی افراد جوان این مملکت را مانع ترقیات ظاهری و سوءاستفاده‌های مقامی خود تشخیص داده‌اند مایلند با ساز کردن این نغمه‌های شوم از حس فعالیت اجتماعی، فداکاری، و وظیفه‌شناسی، ابراز فکر و اظهار عقیده و سایر عواملی که معرف شخصیت منیع دانشجویان است، با ایجاد موانع و مشکلات محدودکننده‌ای جلوگیری نمایند. لذا با نقشه‌هایی پلید که از مغزهای پوک و بی‌سواد خود تراوش کرده، تصمیم دارند با دانشگاه و شرافت دانشجویان ایران بازی کنند، ولی باید بدانند اگر دکتر سیاسی از اهانت شخصی خود صرف‌نظر کند دانشجویان و فرهنگیان علاقمند به دانش و رشد فکری حاضر نخواهند بود دانشگاه تبدیل به یک محیط جمود فکر و اختناق عقیده‌ای گردد.

وکلای بی‌موکل و هرزه‌درائی که سخنان استاد دانشمند و رئیس دانشگاه را هنگام ایراد سخنرانی قطع کردند نتوانستند صدای او را که پی‌درپی این جمله را تکرار می‌کرد (استقلال دانشگاه باید محفوظ بماند و به دانشجویان عقیده‌ای نمی‌توان تحمیل نمود) قطع نمایند.

دکتر سیاسی با توسل به این و آن و تملق و چاپلوسی به مقام منبع ریاست دانشگاه نرسیده، بلکه از بین استادان مبرزی که هر کدام برای اداره تمام سازمان‌های وسیع فرهنگی شایسته‌اند



انتخاب شده و این حُسن انتخاب مورد توجه و قبول عموم دانشگاهیان و فرهنگیان است. دکتر سیاسی مستظهر به نیروی مترکّم فرهنگیان زحمت کش و دانشجویان غیور و فداکار است. دکتر سیاسی در عین حالی که از دانشمندان معروف و بنام این مملکت است مثل نورسیده‌ها و نورچشمی‌های امروز که گوششان به دستور عوامل مؤثر در انتخابات آنها آشناست، به هیچ وجه جز صلاح مملکت و ملت و تنویر افکار عمومی به غیر از فداکاری در راه اشاعه علم و هنر قدمی بر نداشته، شب و روز خود را در این راه وقف نموده است و در هر قدم هزاران بار جوانب کار را با نهایت حزم و احتیاط مراقبت کرده است.

دکتر سیاسی اولین و مؤثرترین قدم‌ها را برای تعلیمات اجباری در ایران برداشته است و از مجموع مطالعات علمی خود با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران، لایحه تعلیمات اجباری را تنظیم و برای نخستین بار در ایران به مجلس تقدیم و در راه تصویب آن فداکاری‌ها نموده است.

و باز دکتر سیاسی اولین کسی است که برای استقلال دانشگاه تصمیم خود را به موقع تصویب و اجرا گذارده.

شخصیت دکتر سیاسی ضامن اجرای آزادی فکر و عقیده دانشجویان است، چگونه ممکن است دانشجویان به کسی که حیات معنوی آنان را تضمین کرده وفادار نباشند.

ما به مسئولین امور، به کسانی که ناظر آن جنایات‌های ابلهانه مزدوران متظاهر بوده‌اند، به کسانی که مأمور برقراری نظم این مملکت‌اند اعلام می‌کنیم، تا رفع اهانت از مقام شامخ استاد بزرگوار و ریاست محبوب دانشگاه نشود، به هیچ وجه از پای نخواهیم نشست و تصمیمات جدی‌تری اتخاذ خواهیم نمود.

ضمناً به طوری که شنیده‌ایم، به قدری این موضوع موجبات تأثر ایشان را فراهم نموده است که بلادرنگ از مقام وزارت استعفا داده‌اند.

ما کوشش داریم که حتماً استعفای ایشان مورد موافقت قرار نگرفته و چنان که اشاره کردیم انتظار داریم هیئت دولت و نمایندگان محترم و عموم علاقمندان فرهنگ کشور در رفع نگرانی و تأثر ایشان اقدام عاجل فرمایند.

استعفای دکتر سیاسی تنها به علت تأثر شدید او از این قضایا بوده و ما با کمال بی‌صبری عدم موافقت با استعفا و بازگشت ایشان را در رأس وزارت فرهنگ خواستاریم.

گروه دانشجویان و فرهنگیان



سند شماره ۸

وزارت فرهنگ، تاریخ ۲۷/۱/۳۶

[موضوع سند]: نامه وزیر فرهنگ به دفتر مخصوص شاه در مورد انتخاب رئیس دانشگاه تهران و معرفی سه نامزد که یکی از آنها حذف دکتربسیاسی بود.
[متن سند]:

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

شورای دانشگاه در پانصد و سی و نهمین جلسه خود به تاریخ ۳۶/۱/۲۶ طبق تبصره ۱۷ قانون ترمیم حقوق فرهنگیان آقایان زیر را برای ریاست دانشگاه نامزد نموده‌اند:

- جناب آقای دکتر منوچهر اقبال با ۳۰ رأی.
- جناب آقای دکتر احمد فرهاد با ۲۹ رأی.
- جناب آقای دکتر علی‌اکبر سیاسی با ۲۶ رأی.

اینک متمنی است مراتب را به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه برسانید که در صورت اقتضای رأی مبارک شاهانه فرمان همایونی به نام آقای دکتر احمد فرهاد صادر گردد.
وزیر فرهنگ - دکتر مهران

سند شماره ۹

به تاریخ ۳۶/۹/۲۲، دانشگاه تهران

[موضوع سند]: ابقای دکتر سیاسی در سمت ریاست دانشکده ادبیات.
[متن سند]:

وزارت فرهنگ

چون جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی در یکصد و شصت و ششمین جلسه مورخ نوزدهم آذر ۱۳۳۶ شورای دانشکده ادبیات مجدداً به اتفاق آرا به ریاست دانشکده مزبور انتخاب گردیده‌اند، حکم انتصاب ایشان برای امضا ارسال می‌گردد.
رئیس دانشگاه - دکتر فرهاد

سند شماره ۱۰

تاریخ ۳۶/۱/۲۷، دانشگاه تهران

[متن سند]:

جناب آقای وزیر فرهنگ

شورای دانشگاه در پانصد و سی و نهمین جلسه خود مورخ ۱۳۳۶/۶/۲۱ به انتخاب سه نفر



از استادان که باید از میان آنان رئیس دانشگاه انتخاب گردد مبادرت نموده و اینک نتیجه را به شرح زیر به استحضار خاطر عالی می‌رساند:
جناب آقای دکتر منوچهر اقبال ۳۰ رأی، آقای دکتر احمد فرهاد ۲۹ رأی، جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی ۲۶ رأی.
معاون دانشگاه مسعود کیهان [امضا]

سند شماره ۱۱

کمیسیون ملی تربیتی و علمی و فرهنگی
ملل متحد (یونسکو)
تهران خیابان موزه تاریخ ۴۲/۱۱/۱۱
[موضوع سند]: ابقای ریاست علی اصغر حکمت در کمیسیون ملی یونسکو و همچنین
اعضای این کمیسیون از جمله دکتر سیاسی.
[متن سند]:
وزارت فرهنگ

نظر به اینکه دوران ریاست، جناب آقای علی اصغر حکمت و عضویت عده‌ای از اعضای محترم کمیسیون ملی یونسکو به سر آمده بود، کمیسیون ملی یونسکو در ایران ضمن تجلیل از خدمات و راهنمایی‌های جناب آقای حکمت در یکصدمین جلسه خود، با حضور نمایندگان وزارت خارجه و وزارت فرهنگ مورخ ۸/۱۱/۱۳۴۲ به موجب ماده اساسنامه کمیسیون ملی یونسکو، ایشان را به اتفاق آراء بار دیگر به سمت رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران انتخاب کرد.

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی - آقای دکتر عبدالله شببانی - جناب آقای دکتر متین‌دفتری - آقای دکتر حسین پیرنیا - آقای علی‌پاشا صالح نیز بر طبق ماده ۶ اساسنامه مجدداً به عضویت کمیسیون ملی در ایران انتخاب شدند.
مراتب محض استحضار بدین وسیله اعلام گردید.
نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا [امضا]

سند شماره ۱۲

[موضوع سند]: دستخط دکتر سیاسی و تقاضای رسیدگی به تظلم یکی از شاگردان.
[متن سند]:
حضرت استاد معظم



یکی از شاگردهای خانم همشیره حامل عریضه که در امتحانات شش ساله حاضر شده، از قرار مسموع نسبت به مشارالیه‌ها بی‌اعتدالی شده است. با جنبه عدل و انصافی که در آن وجود محترم موجود است، مقتضی است مقرر فرمایند به نمرات شاگرد مذکور رسیدگی شده، چنانچه حقیقتاً بی‌اعتدالی شده رفع ظلم فرمایند. در خاتمه موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تقدیم می‌دارد.

شاگرد شما علی اکبر سیاسی.

Commission Nationale Iranienne
pour
F. U. N. E. S. C. O.
Avenue du Musée - Téhéran

کمیسیون ملی تربیتی و علمی و فرهنگی
مشهد (یونسکو)

تهران خیابان موزه
تاریخ: ۱۳۱۴
شماره: ۱۵۸۱۳
ضمیمه:

وزارت فرهنگ

نظر باینکه دوران ریاست جناب آقای علی اصغر حکمت و عضویت عدای از اعضای محترم کمیسیون ملی یونسکو سرآمده بود کمیسیون ملی یونسکو در ایران ضمن تجلیل از خدمات و راهنمایی جناب آقای حکمت در یکصد و پنجاهمین جلسه خود با حضور نمایندگان وزارت خارجه و وزارت فرهنگ مورخ ۱۳۴۲/۱۱/۸ بموجب ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون ملی یونسکو اینها را با اتفاق آراء بار دیگر بصورت رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران انتخاب کرد.

جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی - آقای دکتر عبداله شیبانی - جناب آقای دکتر متین دفتری - آقای دکتر حسین بیونیا - آقای علی پاشا صالح نیز بر طبق ماده ۱۶ اساسنامه مجدداً بصورت کمیسیون ملی یونسکو در ایران انتخاب شدند.

مراتب محض استحضار بدینوسیله اعلام گردید.

نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو در ایران - دکتر نوح بیخ‌الهی صفا

۱۷۰۸۲
۱۳۴۲/۱۱/۸

۱۹

حضرت استاد معلم ^{بصیرت} یکی از شاگردان ارجمند خانم معشیره ^{استاد} حاکم
که در امتحانات مشترک ساله حاضر شده از قرار مجموع نوبت ^{است} بنابر این
شده است با جنبه عمل و الصافی که در آن وجه محترم ^{است} مرصع
مستقر است مگر فرمایشیه به نرات ^{است} تا که در مذکور ^{است}
حقیقتاً به استه ^{است} الی شته ^{است} رنج ^{است} ظلم ^{است} فرمایشیه ^{است} در فائده ^{است} موعده ^{است}
مستقره احکامات فائده رائه ^{است} بمیه ارد ^{است} شانه ^{است} سیکر

۹

۱۳۱-ج



وزارت معارف
دانشگاه تهران

دانشکده ادبیات - دانشکده علوم
دانش - رای عالی

تاریخ: ۹ شهریور ماه ۱۳۱۴
شماره: ۱۸۱۳ ضمیمه صورتجلسه ۱۲۵

معه وزارت معارف

۱۱ - ۱۳۱۴

۱۱۱۳
جمع کرده داده شود که در سال آتی نیز دانش کلاسی در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شود و در صورت تقسیم و لغت نیز نشان شود
۱- بطوریکه کتب عربی که در مکتبها، پیش از این در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
کتاب که در مکتبهای آذربایجان، باستان، دانش کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
نیستند و به جهت اشتباهات که در مکتبها در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
گنجه و غیره بهر صورت، این وزارت معارف نسبت به مکتبها که در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
تعیین قری که برای مکتبها در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است

۲- چون این وزارت معارف در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
مذاهب اقلیت را که در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
چون قریب تعیین در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
چون در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
تسلسل و استن - در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
۳- چنانکه ای که مورد نظر است که در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
شده و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
تغیر کرده و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است
با ما فهم یافته - تهران - آذربایجان - در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است و در کنگره اعلام وزارت معارف پذیرفته شده است

۱۳۱۴ شهریور ماه
۱۸۱۳ ضمیمه صورتجلسه ۱۲۵

۱۱ - ۱۳۱۴



دکتر سیاسی از بزرگترین شخصیت‌های

فرهنگی ایران و جزو گرانبهارترین مفاخر ملی ماست

ما گروه فرهنگیان دانشجویان با انتشار این اعلامیه نه تنها ب مردم ایران بلکه بتمام دنیا مراتب تشرف و از جبار شدید خود را راجع به اهانت دوسه قسّر از وکلای معلوم الحال مجلس ایران نسبت بر رئیس محترم دانشگاه ارباز داشته باصدائی که از قلب با ایمان و وجدان تابناک ما برمیخیزد فریاد میزنیم آنها که ما باند با عوام قریبی و تظاهر بدین برای شخصیت‌های میمولورنگدار خود تحصیل وجهتی کنند باید بداند این عوام قریبی های قرون وسطائی مانند اسلحه سرد و نا چیزست که فرمایش مهود استفاده ذول مقتدر برای تهدید مستحبات خویش بوده است و امروز در ایران آیم در مرکز تمل ملک بین جوامع متشکل دانشگاهی و میان دانشجویان و ولیفه شناسی و نه کاردار دانشگاه ها بکار نی آید.

این آقایان خیال می کنند مذهب مقدس اسلام هم مثل سایر امور فقط انحصاری میباشد که در راه سنگ تظاهر وریا بر سینه میزنند و در بس برده آن کار دیگر میکنند.

دکتر سیاسی خود تربیت شده خانواده مسلمان و مذهبی است و همواره بیادای دینی با نظر احترام مینگرد منتها تظاهر بذهب و دین فروشی را در خود نمى داند چنانچه همه می دانند سازمان اسلامی دانشجویان با اجازه و تشویق ایشان بفالیت های مذهبی و نشر حقایق دینی پرداخته است دکتر سیاسی دانشمند محبوبیکه در حین تکلم باشا کردن خود رنگ برنگ می شود با شرافت و آسروى خود که یکی از نقاط اتکالی اوست و میتوان حیا و نجابت او را یکی از بزه های نزدیکان ارتقای اوداست هیچگاه لفظا را خائنین فرهنگ و دانشگاه و ملک نبی ستیزد و بر خاشجوی دوسه نفر از اذل و بی سربا را با لبخند تسخر باسخ میدهد.

دوسه نفر وکیل از دانش یخبزرگه

رشد اجتنابی افراد جوان این ملک را مانع ترقیات ظاهری و سوء استفاده های مفای خود تشخیص داده اند ما باند با ساز کردن این تنه های شوم از حس فعالیت اجتنابی، فداکاری و وظیفه شناسی، ابراز فکر و اظهار عقیده و سایر عواملی که معرف شخصیت منبع دانشجویانست با ایجاد موانع و مشکلات مهود کننده ای جا گیری نمایند. لذا با فته مانی باید که از منزه های بونک و پیسواد خود تراوش کرده تصمیدارنه با دانشگاه و شرافت دانشجویان ایران بازی کنند ولی باید بداندتد اگر دکتر سیاسی از اهانت شخصی خود صر ننگر کند دانشجویان و فرهنگیان علاقتند به دانش و رشد فکری حاضر نخواهند بود دانشگاه تبدیل بیک محیط جنود فکرو اجتناب عقیده ای گردد.

وکلای بی موکل و هرزه درایتیک سخنان استاد دانشمند و رئیس دانشگاه را حکام ابراز سخنانی قطع کردند توانستند صدای او را که بی دری این جمله را بکار مینگرد (استقلال) دانشگاه باید محفوظ بماند و به دانشجویان عقیده ای نمیتوان آجمیل نمود قطع نایند.

دکتر سیاسی با توسل باین و آن و تلقین و چاپلوسی بتمام منجر باست دانشگاه رسیده بلکه ازین استادان میرزی که هر کدام برای اداره تمام سازمانهای وسیع فرهنگی شایسته اند انتخاب شده و این حسن انتخاب مورد توجه و قبول عموم دانشگاهیان و فرهنگیان است.

دکتر سیاسی مستشهز و نیروی متر اکیم فرهنگیان زحمت کش و دانشجویان شیور و فداکار است

دکتر سیاسی درین حالیکه از دانشندان معروف و بنام این ملک است مثل نورسیده ها و نورچینی های امروز که گوششان بدستور عوامل موثر در انتخابات آنها آشاست بهیچوجه جز صلاح ملک و ملت و تنویر افکار عمومی پیر از فداکاری در راه اشاعه علم و هنر قهمی بر نداشته شب و روز خود را در ابتراء وقف نموده است و

در هر قدم هزاران بار جواب کار را با نهایت حزم و احتیاط مراقبت کرده است.

دکتر سیاسی او این و مؤثرترین قدمها را برای تعلیمات اجباری در ایران برداشته و از مجموع مطالعات علمی خود با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران لایحه تعلیمات اجباری را تنظیم و در راه تصویب آن فدا کارها نموده است.

و باز در کتر سیاسی او این کسی است که برای استقلال دانشگاه تصمید خود را بوقع تصویب و اجرا گذارده

شخصیت دکتر سیاسی ضامن اجرای آزادی فکسر و عقیده دانشجویان است چگونه ممکن است دانشجویان بکسی که حیات معنوی آنان را تضمین کرده و فادار نباشند

ما بپسولین امور بکسانی که ناظر آن جنبانیهای ابلهان مزدوران مظاهر بوده اند بکسانی که مامور برقراری نظم اجتناب این ملک اند اعلام میکنیم تاریخ اهانت از مقام شامخ استاد بزرگوار و ریاست محبوب دانشگاه نبود بهیچوجه از این نفوتمیم نشت و تمسینات جدی تری انتقاد خواهیم نمود

ضناً بطوریکه شنیده ایم بقدری این موضوع موجبات تأثر ایشان فراهم نموده است که بلا درنگ از مقام وزارت استفا داده اند

ما کوشش داریم که حتماً استغای ایشان مورد موافقت قرار نکرده و چنانکه اشاره کردیم انتظار داریم هیئت دولت و نمایندگان محترم و عموم علاقتندان فرهنگ کشور در رفع نگرانی و تأثر ایشان اقدام عاجل فرمایند.

استغای دکتر سیاسی تنها بملت نثار شده او از این قضایا بوده و ما با کمال یصبری عدم موافقت با استغناء و بازگشت ایشان را در راس وزارت فرهنگ خواستاریم.

گروه دانشجویان و فرهنگیان

